

روزگار مردم «چله» و «چارچار»

هما سعادتمند
h.saadatmand@shahraranews.ir

گزارش زبر

وابستگی زندگی شبانی و کشاورزی به چرخش فصل‌ها و بارش برف و باران آن قدر بسوده که آن را دست‌خوش اوسنه‌ها کند. اوسنه‌هایی که گرچه ریشه در حقیقت ندارند، درخت‌امید و خوشدلی را در روزگار قدیم به بار می‌نشانده و کام مردمانش را شیرین می‌کردند. «مستان» یکی از همین فصل‌های آمیخته به داستان است که بخشی از آداب و رسوم و هویت مردم خراسان به‌ویژه مشهد قدیم را شکل می‌داده است. گزارش پیش‌رو خرده‌روایت‌هایی است از رفتار اجتماعی و آداب و رسوم مردم این دیار در آغاز فصل سرد. فصلی که سرما استخوان‌سوز بود اما محبت مردمش به یکدیگر، حکم گرمای تموز را داشت.

● ازچله تا سرماپیزرن در روایت خراسانی‌ها داستان «تنه‌سرما» که معروف‌ترین فولکلور درباره زمستان است و ریشه در آگاه‌ساختن مردم از شدت و حدت سرمای زمستان دارد، بعدها سبب نام‌گذاری بر برخی روزهای فصل سرد سال شده است. در این داستان که پرداخته‌باور ایرانیان است، زمستان به‌دو بخش چله بزرگ (ابتدای دی تا ۱۰روز پس از بهمن) و چله کوچک (از ۱۱بهمن تا پایان ماه) تقسیم می‌شده که در گویش خراسانی به «چله کلون» و «چله خردو» شهره است. خراسانی‌ها چهارروز آخر چله بزرگ و چهارروز اول چله کوچک را هم «چارچار» می‌خوانده‌اند که سرما در آن شدت می‌گرفته است.

اما زمستان روی درشتش را در اسفند نشان می‌داده است، یعنی وقتی که روزها به غایت سردی می‌رسیده‌اند. این زمان بندی در فولکلور تنه‌سرما به دو قسمت «همن» و «پهن» تقسیم می‌شوند که به ۱۰روز ابتدایی و ۱۰روز دوم اطاق می‌شده است. بازنگی‌های فراوان این ایام که طعنه به دیگر ایام سال می‌زند، در شعری این‌طور روایت شده است: «همن و پهن/آرد کن صمد/ روغن بیار دهن/ هیزم بکن خرمن/ عهده همه با من.» البته این نام‌ها در میان روایت اقوام مختلف ایرانی متفاوت است، آن‌چنان‌که بختیاری‌ها آن را «احمدی، محمدی» می‌گویند. ۱۰روز پایانی سال را خراسانی‌ها

جست‌وجویی درباره عنصرخیابان، چنارها و جوی آب میانه‌اش در خاطرات جمعی مردم مشهد

نهری که به دریایی در زیر زمین می‌رسید



جوی آب در محدوده پایین خیابان -۱۳۱۵ه.ش
اکنونه‌سنگ‌ها در کنار جوی برای لاشه‌چینی دوران است

● درختانی که نماد بودند

در روایت‌های شفاهی کهن‌سالان از مشهد قدیم، خاطره‌ای از یکی از اهالی شهر طبعی ثبت شده است؛ پیرمردی که در ایام جوانی مدت کوتاهی را در محله عیدگاه مشهد به کارگری گذرانده و حالا فرصتی دست داده تا از آن ایام بگوید. در میان خاطرات او، آن چیزی که این خاطره را به یک روایت منحصر بفرد تبدیل کرده، ماجرای است که نامی از بالاخیابان در آن می‌آید؛ «پیش استادکاری کارگری می‌کردیم. از قضا یک روز وسط کار دعوایی سرگرفت. پادم است استادکار ما رو به طرف گفت: اگه حرفت حقه، گردن ما از مو باریک‌تره، ولی اگه ناحق، گردن ما به کلفتی چنارهای بالاخیابون...». در میان این خاطره درباره «چنارهای بالاخیابان» سخن به میان آمده



جوی خیابان در بالاخیابان (۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ه.ش)



چشمه‌گیلاس - سال ۱۳۵۴ه.ش

آگهی تجدید مناقصه عمومی	موضوع: خرید ۴۰،۰۰۰ تن ماسه شسته دوجار شور تحویل در محل کارگاه تولیدات بتنی الهدی واقع در جاده خلیج
شماره مناقصه ۱۹۰۲۱	مبلغ برآورد اولیه: ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس www.ets.mashhad.ir مراجعه نمایید و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rtk.ir درج می گردد.	
امور قراردادهای سازمان عمران شهرداری مشهد	

آگهی مناقصه عمومی	موضوع: خرید سرور HP DL38۰ مورد نیاز شهرداری مشهد
شماره مناقصه ۸۵۹۰۰۰۸۵۹	مبلغ برآورد اولیه: ۸۵۹۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سامانه ارجاع کار شهرداری مشهد به آدرس ets.mashhad.ir مراجعه نمایید. همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rtk.ir درج می گردد.	
سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری مشهد	

بابای لهجه مشهدی

یادی از «علی اصغر میرخدییو مداح»
صدای ماندگار رادیوخراسان

بابای لهجه مشهدی

یادی از «علی اصغر میرخدییو مداح»
صدای ماندگار رادیوخراسان



سعادتمند

پنج باز رادیو با صدای «سید علی اصغر میرخدییو مداح» یکی از خاطره‌های همیشه‌زنده همه مشهدی‌هایی است که هر بار با او «کاشکی ما مرغی بودم، مثال سیمرغی بودم، به هوا پر مژدم به هر کجا سر مژدم» را زمزمه می‌کردند. برخی هم او را با بازی‌هایش در تئاتر گلشن به یاد می‌آوردند، اما شاعری آن هم با لهجه مشهدی، هنری بود که او را به یکی از نامداران ادبیات عامه یا فولکلور تبدیل کرد؛ تاآنجاکه عده‌ای نام میرخدییو را در زمره اندک کسانی می‌آوردند که سبب احیا و ماندگاری گویش و لهجه مشهدی شده است. از اصغر میرخدییو کتاب‌های بسیاری مانند «کشکول خنده»، «بند و لطیفه» و «بخوانید و بخندید و پندهای آن را نیز به کار بندید»، به چاپ رسیده است. تعدادی کتاب دیگر هم مانند «مشهد آن روزهای ما» و «مجموعه تصنیف‌های اصغر میرخدییو (پرده‌خوانی‌های تئاتر)» به صورت دست‌نویس از او باقی مانده که وی در زمان حیات موفق به چاپ آن نشده است. فرارسیدن سالروز درگذشت این چهره مانا سبب شد در سط‌هایی کوتاه از او بگویم.

در گفت‌وگویی که دوسال پیش با «مهن میرخدییو» انجام دادیم، او پدرش را مردی «دهان گرم» توصیف کرد؛ یعنی کسی که علاوه‌بر صدایی خوش، شیرین سخن می‌گفت و این شیرین کلامی سبب می‌شد سیدعلی اصغر، همیشه نقل همه محافل باشد و مجلس گرم‌کن جمع. البته آمدن پسوند مداح در ادامه نامش، حکایت از خوش‌صدایی ارثی او داشت. صدایی که از اجدادش، مداح اهل بیت(ع) ساخته بود: «اجداد پدرم پشت در پشت مشهدی بودند و مُلبس، از آنجاکه صدای خوشی داشتند، مداحی هم می‌کردند و پسوند فامیل پدرم ریشه در این پیشه خانوادگی داشت.»

خاتم میرخدییو بنا بر خاطراتی که از پدرش شنیده است، شروع بازیگری او را همان سال‌های نخستین زندگی با مآدرش می‌دانند و از زبان پدرش چنین نقل قول می‌کند: «خانواده مادرم بسیار مهمان‌دوست بودند. علاقه به بازیگری در من از همین مهمانی‌ها و شب‌نشینی‌های آنان با گرفت. مادرم هر چندشب سخن می‌گفت و این سنجش میزان اهمیت یک عنصر فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و... باید حضور آن عنصر را در ادبیات عامه مردم سنجید، به‌فراخور این حضور و بروز هم هست که می‌شود عمق اثر آن عنصر را در حافظه جمعی نسل‌ها تشخیص داد. خاطرات کهن‌سالان مشهدی که بازخوانی و تحلیل شود، بدون شک معلوم خواهد شد که برخی عناصر به طرز واضحی در میان حافظه جمعی چندین نسل این شهر جا خوش کرده‌اند.

● اولین روایت

«جوب آب خیابان» و جواشی‌اش حتما یکی از این عناصر است؛ عصری که هنگام روایت کهن‌سالان مشهدی، در همان ابتدای شرح شکل و قواره شهر، سخن‌هایی درباره‌اش به میان می‌آید. چنان که محمود ناظران پور، راوی کهن‌سال و سنجیده تاریخ اجتماعی مشهد، هم روایت خود درباره شهرمان را از همین جوی (یا به قولی جوب) آب آغاز کرده و به انگیزه انتساب اجدادش به نظارت این آب، در این‌باره سخن می‌گوید: «اسم پدر من حسن بود. این حسن، حسن ناظر بوده؛ ناظر بر آب خیابان که از چشمه‌گیلاس شروع می‌شده. این نهر می‌آمده از وسط شهر. بعد از بالاخیابان وارد صحن حضرت(ص) می‌شده و آنجا دو طرف سقاخانه اسماعیل‌طلا دور می‌زده، از پایین خیابان می‌گذشته و می‌رفته به باغ‌ها و مزارع...». «ادامه این روایت هم می‌رسد به قلعه‌خیابان و کشت‌وکارها بر دامنه کوه «سلطان مشرق» که در شرق مشهد قدیم قرار داشته است.

پاهای بلندتری داشت و منقلی که زیر آن جای می‌گرفت هم به‌مراتب بزرگ‌تر بود. لحافی هم که روی کرسی پهن می‌شد، برپار تر بود و عرضی ۳در ۳متر و حتی بیشتر داشت تا جان‌پناه افراد بیشتری باشد. کرسی بهاره اما کوچک‌تر و سبک‌تر و متناسب با سrdی کم‌جان فصل اول سال بوده است. زنان خانه، هر زمستان، آتش به جان زغال توپ‌شده می‌انداختند. وقتی توپ‌ها شکفته می‌شد و به سرخی می‌نشست، روی آن خاکستر یا خاک زغال می‌ریختند و زیر کرسی می‌گذاشتند تا آتش مایلمش، خلق زمستان سرد آن سال‌ها نرم کند.»

● آونگ‌کردن انگور واشکنه تخم‌خریزه ابتدای پاییز برای مردم مشهد، طعم خربزه‌لاکی را داشت و این میوه را می‌شد به‌وفور در این فصل دید. در روزگاری که بیشتر خانه‌ها، زیرزمین یا حوضخانه داشتند، خربزه لاکی را در توری‌هایی قرار می‌دادند، از سقف زیرزمین‌ها که سسرد بود، آویزان می‌کردند تا سالم و شیرین بماند. انگور آونگ به به همین شکل ذخیره می‌شد تا در نهایت روی مجمعه مسی شب یلدا بینشند و سفره زمستانی مشهدی‌ها را زینت دهد. در این دوران که می‌شد آن را در خاطرات مردم همین نیم‌قرن گذشته هم جست‌وجو کرد، انار و به‌ویژه هندوانه به‌دلیل کمبود و ماندگار نبودنش، چندان باب نبوده است. در کنار خربزه و انگور، مردم در این شب با خوردن نقلات گرمی مثل

خرما، نخود، کشمش، گردو و تخم خربزه، بلندی سرما را به عیش می‌نشسته‌اند. خوردن «برف‌شیره» که حکم بستنی‌های امروز را داشته، یکی دیگر از لذت‌های زمستانی خراسانی‌ها در شب چله و پس از آن بوده است؛ «برف تمیز را بر می‌داشتند و توی لیوان‌های بزرگی می‌ریختند و آن را با شیربه انگور یا توت مژدار می‌کردند. البته با اینکه در مشهد انگور زیاد بود، شیره‌اش را نمی‌گرفتند و شیربه انگور از قوچان می‌آمد که خیلی هم معروف بود. آن دوران مشهدی‌ها فقط از توت، شیربه می‌ساختند.»

علاوه‌بر این‌ها، خوردن غذاهای گرم یکی از راهکارهای مقاوم‌کردن بدن در برابر سرما بوده است. به همین دلیل جمع کردن تخم خربزه به‌دلیل طبع گرم، فراوانی و ارزان‌بودن آن خیلی باب بوده است. «اشکنه تخم‌خربزه» و «بلغور شیر» از غذاهای رایج زمستانی بین مشهدی‌ها بوده که اولی از کوبیدن، جوشاندن و گرفتن شیربه تخم‌خربزه و مخلوط کردن آن با روغن به دست می‌آمده است.

● زمستان در خیابان‌های شهر

سرمای آن روزها با اینکه استخوان‌سوز بوده اما تنور رونق کار بر برف‌روها را گرم می‌کرده است؛ شغلی که دستمزدش بسته به کرم صاحبخانه پرداخت می‌شد. برف‌روها با پاروهای چوبی قدیمی که به آن «دموز» می‌گفتند، کوچه‌به‌کوچه و خانه‌به‌خانه را

این شهر هم جُست. به باور برخی مشهدی‌های قدیم، «چشمه‌گیلاس» به دریایی در زیر زمین متصل است؛ دریایی از آب بی‌انتها که همه چشمه‌های جهان را به هم وصل می‌کند. این باور تا آنجا پیش می‌رود که گفته می‌شود: «یک‌نفر عصایی به میان آب چشمه‌ای (یا رودی) در عراق افتاد و از چشمه‌گیلاس بیرون آمدا».

● نهر گل آلودی به‌عرض پنج قدم

«جوب آب خیابان» در گذشته‌ای نه‌چندان دور یکی از جدی‌ترین عوامل حیات در شهر مشهد تلقی می‌شده است. اهمیت این آب در ادامه کشاورزی در مشهد و برقرار ماندن آب‌انبارها، حمام‌ها و سایر مشاغل و مراکز خدماتی نیز بر کسی پوشیده نیست. همین اهمیت هم هست که سبب شده این عنصر بارز محیط شهری این چنین وارد خاطرات جمعی مردم این شهر شود. مرحوم غلامحسین بقیعی هم که یکی از شاخص‌ترین روایان تاریخ اجتماعی مشهد است، در کتاب «انگیزه» جایگاه ویژه‌ای به عنصر «خیابان» و جوی میانه آن داده است و می‌نویسد: «نهر گل آلودی به‌عرض چهارپنج‌قدم به نام «جوب خیابون» از مغرب وارد شهر می‌شد. بالاخیابان، صحن کهنه، پایین خیابان و درواقع تمام شهر را به دو بخش قسمت می‌نمود. یک جفت آسیاب بزرگ جلوی باغ هشتباد (نزدیکی میدان شهدای فعلی) را به کار می‌انداخت، باغ‌ها و مزارع و منازل را آبیاری می‌کرد و زباله‌های مسیر را با خود می‌برد. در امتداد هر کوچه و چهارراه، یک پل باریک چوبی یا آجری دو بخش خیابان را به هم مربوط می‌ساخت. در طرفین نهر تعداد زیادی درخت توت و چنار کهن‌سال وجود داشت و زیر آن‌ها مکان کسب‌وکار دستفروش‌ها و دروایش بود. روزی همراه پدرم از کنار همین نهر به راه افتادیم...». ادامه دارد...

روزنامه
شهرامید
وزندگی

شنبه
۲۷ آذر ۱۳۹۱
شماره ۳۷۷۷

SHAHRARANEWS.IR

۰۳

تاریخ و هویت

ردیف	شماره مناقصه	موضوع	مبلغ برآورد (ریال)
۱	۵-۹۹-۱۳	تجدید مناقصه اجرای آبیاری مکانیکی خیابان مهر آباد و عبادت	۴,۶۹۸,۶۶۳,۵۵۰
۲	۵-۹۹-۱۶	مرمت و بازسازی جویچه و کانیو سطح منطقه پنج	۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http://\ ets.mashhad.ir مراجعه نمایید. همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rtk.ir درج می گردد.			
تلفن تماس ۰۵۱۳۱۲۹۴۳۵۹			
امور قراردادهای و پیمانهای شهرداری منطقه ۵			